

## Village and Development

Vol.28, No.109, Spring 2025

### Research Paper

#### Exploring Rural Migration Motives in Isfahan County: Insights from Thematic Analysis

A. Yousefi<sup>1</sup> , A. Torabi<sup>2</sup> 

Received: 8 April, 2025

Accepted: 25 July, 2025

#### Abstract

#### Introduction

In recent years, Iran has experienced a significant demographic shift with rapid urbanization leading to increased rural-to-urban migration, raising concerns about rural depopulation. This study uses thematic analysis to investigate the reasons behind rural migration in Isfahan County, addressing the gap in understanding individual motivations and local factors influencing migration decisions.

#### Materials and Methods

Data was collected through in-depth interviews with migrants from villages known for high migration rates, selected through purposive sampling. The analysis process included transcribing data, identifying keywords, coding, developing themes, conceptualizing, and creating a model.

#### Results and Discussion

The study found that dissatisfaction with rural life was a common driver for migration, influenced by lifestyle changes, limited prospects, unfulfilled aspirations, increased

---

1. Corresponding Author and Assistant Professor, Department of Rural Development, College of Agriculture, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran. ([ayousefi@iut.ac.ir](mailto:ayousefi@iut.ac.ir))

2. MSc Graduate in Rural Development, Department of Rural Development, College of Agriculture, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran.

DOI: 10.30490/rvt.2025.367412.1659

awareness, and the desire for a better quality of life in urban areas. Migration was motivated not only by economic disparities but also by the search for personal fulfillment and meaning. Rural dissatisfaction stemmed from perceived limited opportunities for social mobility and status, while urban areas offered more prospects for advancement and a fulfilling life.

### **Conclusions**

Understanding rural-to-urban migration requires considering psychological and social factors alongside economic drivers. Policies for rural development should address social factors like social status, youth engagement, empowerment, and hope for the future, in addition to infrastructure. To combat negative perceptions of rural areas, portraying villages as valuable, innovative, and sustainable through media representation is crucial.

**Keywords:** Dissatisfaction, Internal Migration, Isfahan, Meaning-Making Theory, Qualitative Research.

## روستا و توسعه

سال ۲۸، شماره ۱۰۹، بهار ۱۴۰۴

### مقاله پژوهشی

# واکاوی انگیزه‌های مهاجرت روستایی در شهرستان اصفهان با استفاده از روش تحلیل مضمون

علی یوسفی<sup>۱</sup> (ID)، علی ترابی<sup>۲</sup> (ID)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۳

### چکیده

چشم‌انداز جمعیتی ایران طی دهه‌های اخیر با گسترش شهرنشینی دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده است. مهاجرت از روستاها همواره یکی از روندهای مهم جمعیتی بوده که نگرانی‌هایی را درباره تخلیه روستاها ایجاد کرده است. با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌های مهاجرت مبتنی بر داده‌های کلان و تجمیعی هستند و کمتر بر تجربیات فردی و پیچیدگی‌های محلی این پدیده متمرکز بوده‌اند، هدف این پژوهش شناخت انگیزه‌های مهاجران روستاهای شهرستان اصفهان با رویکرد کیفی و استفاده از تحلیل مضمون است. داده‌ها پس از انتخاب مهاجر فرست‌ترین روستاها از افرادی که تجربه مهاجرت از روستاهای منتخب را داشتند، به صورت هدفمند از طریق مصاحبه ژرفانگر در سال ۱۴۰۰ گردآوری شد. تفسیر و سازمان‌دهی داده‌ها در فرایندی نظام‌مند شامل پردازش و آشنایی با داده‌ها، انتخاب کلمات کلیدی، کدگذاری داده‌ها، توسعه مضامین، مفهوم‌سازی و توسعه مدل مفهومی صورت پذیرفت. یافته‌ها حکایت از نارضایتی از روستانشینی در بین روستاییان بخش مرکزی اصفهان دارد که عوامل اصلی آن تغییر سبک زندگی، نگرانی از آینده و ناامیدی از

۱- نویسنده مسئول و استادیار گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران.  
(ayousefi@iut.ac.ir)

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران.

تحقق آرزوها با روستانشینی، افزایش آگاهی و دانش روستاییان و امید به ارتقاء سطح کیفیت زندگی در شهرها است. در مجموع، مهاجرت روستایی صرفاً واکنشی به نابرابری‌های اقتصادی نیست، بلکه با جستجوی معنا پیوند خورده است. در کنار اهمیت نابرابری‌های منطقه‌ای و پویایی‌های جاذبه-دافعه، نارضایتی روستاییان از این تصور ناشی می‌شود که نمی‌توانند آرزوهای خود را در محیط روستایی محقق کنند و به جایگاه اجتماعی مطلوب دست یابند. در مقابل، مناطق شهری به‌عنوان مکان‌هایی ادراک می‌شوند که امکان تحرک اجتماعی، کسب احترام و زندگی رضایت‌بخش‌تر را فراهم می‌سازند. بنابراین سیاست‌های توسعه روستایی باید از تمرکز صرف بر توسعه زیرساخت‌ها فراتر رفته و عواملی چون منزلت اجتماعی، مشارکت جوانان، احساس عاملیت و امید به آینده را نیز تقویت کنند. در این راستا، ضروری است از ظرفیت رسانه‌ها و ابزارهای نمادین برای بازسازی تصویر روستا به‌عنوان محیطی ارزشمند، نوآور و برخوردار از پویایی و پایداری بهره گرفته شود تا بر ادراک عقب‌ماندگی و تصویر ذهنی منفی از زندگی روستایی غلبه شود.

**کلید واژه‌ها:** مهاجرت داخلی، پژوهش کیفی، نارضایتی، نظریه جستجوی معنا، اصفهان.

## مقدمه

مهاجرت از سازوکارهای اصلی سازگاری انسان در واکنش به چالش‌های محیطی و اجتماعی - اقتصادی است که توزیع جمعیت را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (Black et al., 2011). بر اساس آمار سازمان جهانی مهاجرت، جمعیت مهاجران در سطح جهانی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و از حدود ۱۵۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۲۸۱ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ رسیده است (IOM, 2022). این افزایش حدود ۸۰ درصدی طی سه دهه، نشان دهنده اهمیت فزاینده مهاجرت در دنیای امروز است. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که مهاجرت همچنان رو به افزایش است و عواملی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی در این روند تأثیرگذار هستند (Webber et al., 2025; Czaika & Reinprecht, 2022).

از طرفی، مهاجرت داخلی پدیده‌ای به‌مراتب گسترده‌تر از مهاجرت بین‌المللی است و تأثیر بیشتری بر جوامع دارد (Webber et al., 2025). چشم‌انداز جمعیتی ایران در شش دهه گذشته با گسترش شهرنشینی دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده است. درحالی‌که مهاجرت شامل انواع مختلفی مانند مهاجرت بین‌شهری، بین‌روستایی و مهاجرت معکوس از شهر به روستا است، مهاجرت از روستاها، همواره یکی از روندهای مهم جمعیتی بوده که نگرانی‌هایی درباره تخلیه روستاها ایجاد کرده است. مهمترین دلیل سال‌خوردگی جمعیت روستایی را مهاجرت از روستا به شهر دانسته‌اند. شاغلان در بخش کشاورزی ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ حدود ۵/۷ سال مسن‌تر شده‌اند که نشان از

ناپایداری وضعیت اقتصادی روستاها دارد (Taghdissi & Ahmadi-Shapourabadi, 2012). همچنین ارزیابی توزیع نسبی مهاجران داخلی برحسب جریان‌های مهاجرت نشان می‌دهد که سهم مهاجرت از «روستا به شهر» از ۳۲ درصد در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به ۱۵ درصد در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۵ کاهش یافته است که این روند با کاهش کلی سهم جمعیت روستایی از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵ همسو است. این در حالی است که سهم مهاجرت از «روستا به شهر» بر خلاف «روستا به روستا» و «شهر به روستا» که روند کاهشی دارند، مجدداً طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۵ افزایشی شده و از ۱۳ به ۱۵ درصد جهش یافته است (Mahmoudian & Mahmoudiani, 2018).

نتایج مطالعات قبلی دلالت بر آن دارد که ارتباط گسترده و پیچیده جامعه روستایی با روندهای کلان و وقایع اجتماعی- سیاسی نظیر اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تحولات روزافزون در زمینه ارتباطات در کنار نابرابری‌های میان جوامع شهری و روستایی، بر دامنه مهاجرت از روستا به شهر افزوده و در این میان، هر دو جامعه مبدأ و مقصد را ناگزیر با نارسایی‌هایی مواجه ساخته است. مهاجرت روستاییان به شهرها و تبدیل شهرنشینی شتابان به شهرنشینی مشکل‌زا با مشکلات زیادی همراه است. برای نمونه، مهاجرت از عوامل اصلی پیدایش حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است (UN-Habitat, 2023) که مشکلات اجتماعی متعددی در مقیاس خرد و کلان به‌ویژه در کلان‌شهرها ایجاد می‌کنند. گسترش حاشیه‌نشینی در سطح خرد، موجب ایجاد اختلال در امنیت روانی ساکنان شهرها و در سطح کلان، موجب ایجاد انواع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود (Zangiabadi et al., 2005; Rabani & Rabiei, 2010).

با وجود تأکید بر نقش عوامل اقتصادی در مهاجرت نظیر فقدان فرصت‌های شغلی و درآمد ناکافی در مناطق روستایی (Alipourian & Fazli, 2023; Hosseinzadeh et al., 2019)، عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند بازنمایی نادرست از زندگی روستایی و تلقی پایین‌تر منزلت اجتماعی نیز از نیروهای پیشران در تصمیم به مهاجرت دانسته شده است (Panahi & Pishro, 2011). برخی پژوهش‌ها اشاره کرده‌اند که اقدامات بالا به پایین و سبک آمرانه مدیریت روستایی و عدم مشارکت اهالی روستاها در تصمیم‌گیری‌ها باعث تخلیه و ناپایداری بیشتر روستاها شده است (Ghanbari, 2017). از سوی دیگر، وقایع حدی نظیر خشکسالی نیز آثار عمیقی بر زیست‌پذیری جوامع روستایی دارد و موجب تغییرات قابل توجهی در الگوهای مهاجرت می‌شود (Badavi et al., 2024). جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین از منظر روش‌شناسی نشان می‌دهد که بخشی از مطالعات مبتنی بر رویکردهای کمی و قیاسی بر اساس داده‌های تجمیعی و کلان و معمولاً سرشماری‌های کشور بوده

است (Kalhori-Nadrabadi et al., 2023). با وجود مزیت تعمیم‌پذیری بالای نتایج این دسته، تفاوت‌های بین فردی یا بین گروهی در زمینه‌های فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی و لحاظ شدن متغیرهای کیفی و زمینه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است. جمع‌آوری داده در دسته دیگر از مطالعات بر پایه پرسش‌نامه‌های ساخت‌یافته و نظرسنجی بوده و جامعه آماری ساکنان روستا بوده‌اند (Piri et al., 2024; Badavi et al., 2025). همچنین انگیزه‌های مهاجران، شبکه‌های اجتماعی، یا تجربه‌های زیسته مهاجران در این بررسی‌ها کمتر مورد آزمون قرار گرفته است. پدیده‌هایی نظیر مهاجرت که روابط تنگاتنگی با عوامل محیطی مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سایر موارد دارند، نیازمند درک عمیق پیچیدگی‌های فرایند مهاجرت و کشف معنا و تفسیر مهاجران از شرایط خود می‌باشد. این مقاله با رویکرد کیفی و ژرفانگر و با استفاده از تحلیل مضمون به دنبال فهم و تفسیر انگیزه‌های مهاجرت روستایی است. این رویکرد با تمرکز بر تجربیات زیسته و روایت‌های افراد و از طریق مقایسه الگوها، مفاهیم و روابط میان داده‌ها و تقویت انسجام میان داده‌ها و نظریه، درک عمیق‌تری از پدیده‌های پیچیده‌ای مانند مهاجرت را مهیا می‌سازد (Corbin & Strauss, 2014). هدف اصلی مطالعه، شناخت این موضوع است که روستاییان مهاجر تحت چه شرایطی تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند. سؤال‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

- مهاجران روستایی چه درکی از تجربه مهاجرت خود دارند؟
- چه عواملی باعث ایجاد انگیزه مهاجرت در بین مهاجران روستایی شده است؟

### مبانی نظری

مهاجرت داخلی روستایی که به جابه‌جایی افراد از محدوده‌های روستایی یک کشور اشاره دارد، یکی از حوزه‌های مهم در پژوهش‌های مرتبط با مهاجرت است که درک تغییرات جمعیتی، توسعه منطقه‌ای، و تحولات اجتماعی-اقتصادی را تسهیل می‌کند. مبانی نظری این پدیده چندوجهی بوده و از دیدگاه‌های گوناگونی برای تبیین انگیزه‌ها، الگوها و پیامدهای تصمیمات مهاجرتی در بسترهای روستایی بهره می‌برد. نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های بنیادین، مهاجرت داخلی روستایی را ناشی از نابرابری‌های منطقه‌ای در نرخ دستمزد و فرصت‌های شغلی می‌داند، به‌طوری‌که افراد برای بیشینه‌سازی درآمد و مطلوبیت خود به‌طور عقلانی از مناطق روستایی با مازاد نیروی کار و دستمزد پایین به مناطق دارای کمبود نیروی کار و دستمزد بالا مهاجرت می‌کنند (Mahmoudian & Mahmoudiani, 2018). این نظریه مهاجرت را به‌عنوان سازوکاری تعادلی در تخصیص بهینه نیروی کار در فضا تلقی کرده و بر نقش آن در کاهش عدم تعادل‌های اقتصادی بین

مناطق تأکید می‌کند؛ با این حال، پژوهش‌های اخیر بر تعامل پیچیده بین اختلافات دستمزد ادراک شده و واقعی با سایر عوامل در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی، به‌ویژه در زمینه معیشت روستایی تمرکز دارند (Beauchemin & Bocquier, 2004).

سپس مدل هریس-تودارو، رویکرد نئوکلاسیک را با تأکید بر مفهوم درآمد مورد انتظار اصلاح کرد و علاوه بر تفاوت‌های دستمزدی، احتمال یافتن شغل در مقصد را نیز در نظر گرفت (Harris & Todaro, 1970). نظریه جاذبه و دافعه لی<sup>۱</sup> (۱۹۶۶) چارچوب گسترده‌تری را ارائه داد و عوامل مهاجرت را به دو دسته تقسیم کرد: عوامل دافعه در مبدأ، مانند تخریب محیط زیست، تأثیر تغییر اقلیم بر کشاورزی، محدودیت در دسترسی به زمین، یا کمبود خدمات، و عوامل جاذبه در مقصد، مانند منابع بهتر، زیرساخت‌های توسعه‌یافته، یا فرصت‌های بازار (Hoffmann et al., 2019).

با این حال، انتقادهایی که به مدل‌های صرفاً اقتصادی و فردگرایانه وارد شده است، منجر به توسعه نظریه‌های ساختارگرایانه و وابستگی شده است که استدلال می‌کنند الگوهای مهاجرت بیش از آنکه صرفاً ناشی از انتخاب‌های فردی باشند، تحت تأثیر ساختارهای اقتصادی و سیاسی گسترده‌تر قرار دارند. این دیدگاه‌ها بر چگونگی تأثیر نابرابری‌های ملی و جهانی در مجبور ساختن افراد به مهاجرت از مناطق روستایی کمتر توسعه‌یافته تأکید دارند، که اغلب به تداوم وابستگی و توسعه‌نیافتگی در مناطق مبدأ منجر می‌شوند. کاربردهای معاصر این نظریه دلالت بر آن دارد که چگونه الگوهای توسعه نامتوازن و نظام‌های اقتصادی جهانی به خروج نیروی کار از مناطق روستایی دامن می‌زنند (Portes & Walton, 2013). در مقابل، نظریه گذار مهاجرتی مطرح می‌کند که الگوهای مهاجرت به‌طور پیش‌بینی‌پذیری همراه با مراحل توسعه اقتصادی تحول می‌یابند، به‌طوری‌که در مراحل اولیه، مهاجرت روستا به روستا غالب است، سپس مهاجرت روستا به شهر افزایش می‌یابد، و در مراحل پیشرفته اقتصادی، روندهای ضد شهری شدن ممکن است پدیدار شوند (Zelinsky, 1971). این نظریه پیچیدگی و غیرخطی بودن گذارهای مهاجرتی را به‌ویژه در زمینه جهانی شدن و مسیرهای توسعه متنوع تصدیق می‌کند (Skeldon, 2014).

چارچوب توانایی-اشتیاق نیز درک مهاجرت را با تمرکز بر تعامل بین تمایل افراد به مهاجرت و توانایی واقعی آن‌ها در انجام این کار در چارچوب محدودیت‌های ساختاری غنا می‌بخشد. این چارچوب نشان می‌دهد که هرچند تمایل به فرصت‌های بهتر در مناطق روستایی گسترده است، اما امکان تحقق آن به میزان دسترسی به منابع، شبکه‌های اجتماعی و اطلاعات وابسته است، که عاملیت مهاجران را در محدودیت‌های ساختاری نمایان می‌سازد. مطالعاتی که از این چارچوب در

1. Lee

زمینه‌های روستایی استفاده کرده‌اند، به چگونگی میانجی‌گری سرمایه اجتماعی و دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی در ارتباط میان آمال و مهاجرت واقعی پرداخته‌اند (de Haas, 2021). نظریه اقتصاد جدید مهاجرت کار، تمرکز را از سطح فردی به سطح خانوار انتقال می‌دهد و مهاجرت را به‌عنوان یک استراتژی خانوادگی برای تنوع‌بخشی به درآمد و کاهش ریسک‌های ناشی از اقتصادهای روستایی ناپایدار در نظر می‌گیرد (Stark & Bloom, 1985). وجوه ارسالی توسط اعضای مهاجر خانواده نقش کلیدی در حفظ معیشت روستایی و جبران نارسایی‌های بازار در مناطق روستایی ایفا می‌کنند، به‌ویژه در مناطقی که اقتصاد کشاورزی آن‌ها شکننده است. پژوهش‌های اخیر در این حوزه، تأثیرات متنوع وجوه ارسالی بر خانوارها و جوامع روستایی را با در نظر گرفتن عواملی همچون جنسیت و پویایی‌های درون خانوادگی بررسی کرده‌اند (Rapoport & Docquier, 2006).

نظریه شبکه بر نقش حیاتی شبکه‌های اجتماعی در تسهیل و شکل‌دهی به جریان‌های مهاجرتی تأکید دارد؛ زیرا مهاجران برای دریافت اطلاعات، حمایت و کاهش هزینه‌ها و ریسک‌های مهاجرتی به پیوندهای اجتماعی موجود تکیه می‌کنند (Massey et al., 1993). شبکه‌های مستقر درون و میان جوامع روستایی در مهاجرت داخلی روستایی می‌توانند به ایجاد جریان‌های مهاجرتی خود تقویت‌شونده منجر شوند و مهاجران را به مقاصد و مشاغل خاصی هدایت کنند. مطالعات جدید نشان داده‌اند که چگونه فناوری‌های دیجیتال و چشم‌اندازهای در حال تحول رسانه‌های اجتماعی به دنبال تغییر شبکه‌های مهاجرتی در بسترهای روستایی هستند (Dekker & Engbersen, 2014).

در نهایت، روان‌شناسی مهاجرت از دریچه‌ای دیگر به بررسی انگیزه‌های مهاجرت می‌پردازد؛ به‌طوری‌که عوامل چندوجهی مؤثر بر تصمیم‌گیری افراد جهت جابه‌جایی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. این دیدگاه فراتر از توضیحات ساده جمعیت‌شناختی یا اقتصادی رفته و به بررسی فرایندهای روان‌شناختی و تجربیات فردی، شامل انگیزه‌ها و عوامل استرس‌زا در سطح فرهنگی، و همچنین روابط بین‌گروهی می‌پردازد. چارچوب نظری روان‌شناسی مهاجرت بر چندین مفهوم کلیدی بنا شده است که شامل دیدگاه بوم‌شناسی فرهنگی، مدل پنج تغییر و انگیزه‌های انطباق فرهنگی می‌باشد (Webber et al., 2025). روان‌شناسی مهاجرت از دریچه‌ای بوم‌شناسی فرهنگی به همبستگی وضعیت روانی فرد، احساس او از خانه و زیست‌بوم گسترده‌تری می‌پردازد که در آن زندگی می‌کند، و اینکه چگونه در طول مهاجرت دستخوش تغییر می‌شود. این دیدگاه ادعان دارد که مهاجرت صرفاً جابه‌جایی فیزیکی نیست، بلکه تغییری عمیق است که جنبه‌های مختلف تجربه انسانی را در بر می‌گیرد که شامل تغییراتی در روان فرد است که فرایندهای ذهنی و رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و درک و تجربه او از «خانه» را در بر می‌گیرد که فراتر از یک فضای فیزیکی است و

وابستگی‌های روان‌شناختی و نمادین را شامل می‌شود. این دیدگاه از طریق مدل پنج تغییر بیشتر توضیح داده می‌شود که به بدن، روان و رفتار، نظام (بوم)، گروه و واقعیت روزمره می‌پردازد تا ماهیت جامع تغییرات مهاجرتی را به تصویر بکشد (Ancyk & Grzymała-Moszczyńska, 2021). همچنین از منظر نظریه جستجوی معنا، نیاز انسان به کسب معنا می‌تواند در تصمیمات مهاجرتی نقش ایفا کند. مفهوم جستجوی معنا به نیاز یا تمایل به داشتن ارزش اجتماعی اشاره دارد - احساس اهمیت، برخورداری از کرامت، مورد احترام بودن از سوی دیگران و احساس شایستگی. نیاز به معناداری از دو مسیر می‌تواند فعال شود: یکی از دست دادن معناداری (محرومیت) مانند تجربه یا پیش‌بینی شکست و نادیده گرفته شدن و دیگری فرصت کسب معناداری (انگیزش) (Kruglanski et al., 2022). ناراضی‌تایی از زندگی که ممکن است از نیازهای برآورده نشده ناشی شود، می‌تواند افراد را به جستجوی مکان‌هایی سوق دهد که در آن‌ها دستیابی به معنا امکان‌پذیر باشد، پدیده‌ای که در روندهای مهاجرتی مشاهده می‌شود. علاوه بر این، مواجهه با عوامل ساختاری مانند کمبود فرصت‌ها می‌تواند احساس معنا را کاهش داده و مهاجرت را به‌عنوان راهکاری برای کسب جایگاه اجتماعی و احساس ارزشمندی مطرح کند (Webber et al., 2025). فرایند ارتباط بین کسب معناداری و رفتار مهاجرت از طریق روایت‌های فرهنگی که در یک زمینه اجتماعی خاص مورد احترامند و شبکه‌های اجتماعی یا گروه‌های مرجع که این روایت‌ها را تأیید و پاداش می‌دهند، تقویت می‌شود (Kruglanski et al., 2022).

در مجموع، درک نظری مهاجرت داخلی روستایی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های متنوع استوار است که هریک بینش‌های منحصر به فردی در مورد محرک‌ها و پویایی‌های این پدیده ارائه می‌دهند. با توجه به پیچیدگی مهاجرت روستا-شهری و هدف این پژوهش بر پایه فهم انگیزه‌ها و تجربه زیسته مهاجران، این مطالعه از رویکردی ترکیبی بهره می‌گیرد و هم‌زمان عوامل ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی را در نظر می‌گیرد. نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک، مدل درآمد مورد انتظار هریس-تودارو و الگوی جاذبه-دافعه، چارچوب‌های معتبری در سطح ساختاری برای تبیین نقش نابرابری‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی در تصمیم‌گیری مهاجرتی فراهم می‌کنند. چارچوب اشتیاق-توانمندی (de Haas, 2021) و نظریه جستجوی معنا (Kruglanski et al., 2022) در سطح فردی، تبیین‌گر انگیزه‌های روان‌شناختی، تلاش برای ارتقای شأن اجتماعی، و معنابخشی مهاجران می‌باشد و نظریه شبکه‌های مهاجرتی (Massey et al., 1993) نیز در درک تأثیر پیوندهای

اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند. این ترکیب نظری، با روش کیفی و تمرکز بر روایت‌های فردی مهاجران سازگار است و امکان تحلیل هم‌زمان «ساختار، عاملیت و معنا» را در فرایند مهاجرت فراهم می‌سازد.

### روش‌شناسی تحقیق

موقعیت جغرافیایی این پژوهش، روستاهای بخش مرکزی شهرستان اصفهان واقع در جنوب شرقی استان اصفهان می‌باشد که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، شامل شش دهستان و ۷۹ روستای دارای دهیاری با جمعیت ۶۶۹۳۸ نفر است. از جمله دلایل انتخاب این منطقه آن است که اصفهان در میان استان‌های کشور، دارای نسبت جمعیت روستایی پایین‌تر در طول نیم قرن گذشته است. درحالی‌که نسبت جمعیت روستایی کشور در حدود ۲۴ درصد است، این رقم در استان اصفهان در سال ۱۳۹۵ تقریباً ۱۲/۵ درصد است. جمعیت روستایی استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ از ۷۵۸/۸ هزار نفر به ۶۱۳ هزار نفر کاهش یافته است (Statistical Center of Iran, 2023).

هدف این پژوهش، شناسایی، فهم و تفسیر الگوهای معنایی پدیده مهاجرت در روستاهای منتخب بخش مرکزی اصفهان از منظر افرادی است که آن را تجربه کرده‌اند. برای توسعه مدل مفهومی در پژوهش از رویکرد کیفی و فرایند تحلیل مضمون نظام‌مند شش مرحله‌ای استفاده شد که ترکیبی از روش‌های استقرایی و قیاسی را به کار می‌گیرد (Naem et al., 2023). داده‌ها در تحلیل استقرایی بدون پیش‌فرض‌های نظری قبلی بررسی شده و مضامین مستقیماً از تجارب مشارکت‌کنندگان استخراج می‌شوند که این امر امکان کشف پدیده‌های جدید و درک عمیق‌تر از تجربیات انسانی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، تحلیل قیاسی از نظریه‌های موجود و مفاهیم پیش تعیین‌شده برای بررسی داده‌ها بهره می‌برد و به ساختاردهی، تفسیر و انسجام یافته‌های پژوهش کمک می‌کند. این رویکرد به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا ضمن کشف الگوهای جدید در داده‌ها، ارتباط آن‌ها را با چارچوب‌های نظری موجود بررسی کرده و در صورت لزوم، این چارچوب‌ها را بسط کنند (Blaikie & Priest, 2019). همچنین تحلیل استقرایی می‌تواند به شناسایی مضامین و الگوهای منجر شود که در نظریه‌های پیشین مورد توجه قرار نگرفته‌اند، درحالی‌که تحلیل قیاسی امکان بررسی میزان انطباق این یافته‌ها با چارچوب‌های نظری موجود را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، ترکیب این دو روش باعث می‌شود که پژوهشگران بتوانند هم یافته‌های جدید را تولید کنند و هم نظریه‌های موجود را مورد آزمون و بازنگری قرار دهند. این فرایند چارچوب ساختاریافته‌ای را برای

درک پیچیدگی پدیده‌ها و توسعه مضامین و یک مدل مفهومی ارائه می‌دهد ( Naeem et al., 2023).

در این راستا، از یک راهبرد نمونه‌گیری هدفمند چندمرحله‌ای استفاده شد. نخستین قدم برای جمع‌آوری داده‌های هدفمند، شناسایی روستاهایی بود که در بخش مرکزی اصفهان بیشترین تأثیر را از پدیده مهاجرت داشتند. برای شناسایی مهاجرپرست‌ترین روستاها با تحلیل داده‌های تغییرات جمعیتی و تعداد زاد و ولد و مرگ و میر هر روستا، ماتریس مهاجرت برای روستاها، تهیه و میزان مهاجرت هر روستا محاسبه شد. ولی با مراجعه به اداره ثبت احوال اصفهان و انجام چند مصاحبه با کارشناسان مربوطه این نتیجه حاصل شد که میزان مولید و متوفیان روستایی از دقت لازم برخوردار نیست. پس از عدم توفیق در اخذ داده‌های زاد و ولد و مرگ و میر، ناچار برای یافتن روستاهای مهاجرپرست شهرستان اصفهان، تغییرات جمعیتی روستاها در یک دهه گذشته با توجه به داده‌های سرشماری سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، بررسی شد و ۱۰ روستا که بیشترین کاهش جمعیت را داشتند، ملاک قرار گرفت.

در مرحله بعدی جهت کسب اطلاعات بیشتر و تبیین گونه‌شناسی از ویژگی‌های این روستاها، از رویکرد نظرسنجی از خبرگان و پنل متخصصان بهره گرفته شد. بدین منظور، با طراحی پرسش‌نامه‌ای، مصاحبه با کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف روستایی انجام شد. پرسش‌ها بیشتر مبتنی بر آن بود که با شناختی که از روستاهای بخش مرکزی دارید، افزایش و کاهش جمعیت کدام روستاها در اثر مهاجرت بوده است؟ بنابراین از بین سازمان‌هایی که ارتباط مستقیم با روستاها داشتند با استفاده از روش گلوله برفی نمونه‌هایی انتخاب شدند. نمونه‌ها شامل کارشناسان امور روستاهای فرمانداری اصفهان، بخشدار بخش مرکزی شهرستان اصفهان، کارشناسان بودجه روستایی بخش مرکزی شهرستان اصفهان، مدیر شرکت میراب زاینده‌رود، کارشناس امور اراضی جهادکشاورزی شهرستان اصفهان و کارشناس امور تولیدات گیاهی جهادکشاورزی شهرستان اصفهان بود.

پس از تحلیل و جمع‌بندی مصاحبه‌ها و با توجه به شرایط روستاهای بخش مرکزی، سه دسته کلی شناسایی و در هر دسته دو روستا در نظر گرفته شد تا در مراحل بعدی پژوهش، نمونه‌ها به‌صورت هدفمند انتخاب شوند. به عبارتی، هدف از دسته‌بندی روستاهای مهاجرپرست، انتخاب نمونه‌هایی با توجه به تنوع شرایط روستاهای بخش مرکزی جهت شمول بهتر جامعه بود. مهمترین معیارها در این دسته‌بندی، موقعیت جغرافیایی برخی روستاها در نظر گرفته شد که تحت شرایط ویژه‌ای تغییر ماهیت داده بودند و یا درگیری بیشتری با محدودیت منابع آبی داشتند (جدول ۱).

**جدول ۱. دسته بندی روستاهای بخش مرکزی شهرستان اصفهان و انتخاب روستاهای نمونه**

ردیف	دسته بندی بر اساس شرایط منطقه ای	روستاهای نمونه
۱	روستاهایی که تغییر ماهیت داده اند و کارگاهی یا باغ-ویلا شده اند	آمرزیدآباد و مرغ گچی
۲	روستاهایی که با حفظ ماهیت خود محدودیت منابع آبی دارند (کاهش بهره برداران)	حسن آباد و امین آباد
۳	روستاهایی که بهره برداران کشاورزی در آن ها افزایش داشته اند	دستجا و جیلان آباد

مأخذ: یافته های پژوهش

پس از مشخص شدن روستاهای مهاجرفرست، نمونه گیری به صورت هدفمند و با استفاده از روش گلوله برفی انجام شد، به گونه ای که ابتدا مهاجران روستایی در شهرهای مقصد با هماهنگی دهیاران شناسایی شدند و پس از جلب اعتماد، نخستین مصاحبه ها آغاز شد. سپس از مشارکت کنندگان خواسته شد تا سایر افرادی که دارای تجربه مهاجرت مشابه بودند را معرفی کنند. این شیوه برای دسترسی به افرادی با تجربه خاص و همچنین تقویت اعتماد در مصاحبه ها مؤثر بود (Hennink et al., 2020). فرایند نمونه گیری با تحلیل تدریجی داده ها همراه بود. به این معنا که انتخاب افراد بعدی در هر مرحله بر اساس غنای داده های قبلی و با هدف تنوع بخشی به تجربه ها صورت می گرفت. در مجموع، ۱۳ مصاحبه ژرفانگر با مهاجران انجام شد. مبنای تعیین حجم نمونه و توقف نمونه گیری، اصل اشباع مضامین بود؛ یعنی زمانی که مضامین اصلی در روایات تکراری شد و مفهوم تازه ای به تحلیل ها افزوده نشد (Guest et al., 2006; Constantinou et al., 2017).

مشاهدات میدانی و تحلیل اسناد مرتبط نیز برای تکمیل داده های حاصل از مصاحبه ها استفاده شد. تمرکز مصاحبه ژرفانگر بر احساسات، افکار، اهداف و رفتار مهاجران در برهه ای از زمان از گذشته تا زمان حال است. در این روش از تعدادی پرسش باز و از پیش طراحی بر اساس نظریه های مهم در زمینه مهاجرت استفاده شد. این آزادی عمل وجود داشت که در جریان مصاحبه نیز پرسش های جدیدی مطرح شود تا شناخت و درک گسترده از موضوع مورد مطالعه حاصل شود. همچنین در طول فرایند گردآوری داده ها با توجه به معیار حساسیت نظری تغییراتی در پرسش های پرسش نامه ایجاد شد تا ذهن مصاحبه شوندگان محدود نباشد و داده ها با عمق بیشتری به دست آید. فهرست پرسش های مورد استفاده در مصاحبه ژرفانگر به شرح زیر بود:

- چرا مهاجرت را انتخاب کردید؟ مسافت تا مقصد چه تأثیری در تصمیم شما داشته است؟
- به نظر شما جاذبه ها و دافعه های مبدأ و مقصد مهاجرت شما چه بوده است؟
- آیا فکر می کنید جای شما در مبدأ مهاجرت پر شده است و یا چگونه پر می شود؟
- نقش فناوری و انگیزه های اقتصادی در مهاجرت شما چه بوده است؟

- هزینه‌های پولی و غیر پولی و فایده‌های مهاجرت خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
  - تأمین شغل بهتر و فرار از بیکاری در تصمیم شما چگونه تأثیرگذار بوده است؟
  - انتظارات درآمدی شما پس از مهاجرت چگونه محقق شده است؟
  - تجربه مهاجرت شما چه تأثیری در تصمیم خویشاوندان شما به مهاجرت داشته است؟
  - محرومیت چه مفهومی دارد و شما نسبت به کدام محرومیت‌ها تحریک به مهاجرت شدید؟
- داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها بر اساس فرایند نظام‌مند تحلیل مضمون شش مرحله‌ای برای توسعه یک مدل مفهومی تحلیل و تفسیر شدند. در تحلیل و تفسیر نقل قول‌ها و روایت‌ها از نرم‌افزار اطلس تی‌آی<sup>۱</sup> استفاده شد. مراحل انجام این تحلیل به شرح زیر بود:
۱. پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، بازبینی و آشنایی با داده‌ها و انتخاب نقل قول‌ها: پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، از طریق خوانش و دوباره‌خوانی رونوشت‌ها سعی شد درکی از نمای کلی و گستردگی محتوا حاصل شود. سپس با کنکاشی عمیق در داده‌ها، مضامین اولیه و بخش‌های مهم متن شناسایی و یادداشت‌برداری شد. در ادامه نقل قول‌هایی انتخاب شد که الگوهای معنایی مرتبط با سؤال‌های پژوهش و ارائه دیدگاه‌های گوناگون را نمایان می‌ساختند.
  ۲. انتخاب کلمات کلیدی: در این مرحله، الگوها و عبارات کلیدی که تجربیات و ادراکات مهاجران را بازتاب می‌داد، بر اساس معیارهایی مانند تکرارپذیری، غنای مفهومی، و ارتباط با مبانی نظری انتخاب شد (Ryan & Bernard, 2003).
  ۳. کدگذاری: عبارات یا واژه‌های کوتاهی (کدها) به بخش‌هایی از داده‌ها اختصاص یافتند که پیام اصلی، اهمیت، یا مضمون را در بر می‌گرفتند. کلمات کلیدی انتخاب شده در مرحله قبل نقش اساسی در فرایند تبدیل داده‌های خام به واحدهای تحلیلی معنادار دارا می‌باشند. در این مطالعه، ترکیبی از کدگذاری استقرایی (ایجاد کدها مستقیماً از داده‌ها و الگوهای جدید) و کدگذاری قیاسی (بکارگیری مفاهیم از پیش تعیین‌شده مرتبط با نظریه‌های مهاجرت که در بخش چارچوب مفهومی مرور شدند) مورد استفاده قرار گرفت. در مجموع، حدود ۸۷ کد اولیه مجزا از روایت‌های کلیدی استخراج شد.
  ۴. توسعه مضامین: کدهای تولید شده (اعم از استقرایی و قیاسی) سازمان‌دهی و در دسته‌های معناداری گروه‌بندی شدند تا الگوها و روابط میان آن‌ها شناسایی شوند. این مرحله شامل حرکت از تحلیل جزئی کدها به سمت تفسیر انتزاعی‌تر و ایجاد مضامینی بود که معانی الگوهای مرتبط با سؤال‌های پژوهشی را تجسم می‌بخشیدند. مضامین هم از الگوهای نوظهور در داده‌ها

- (استقرایی) و هم از طریق ارتباط با چارچوب‌های نظری اولیه (قیاسی) توسعه یافتند. در این مرحله، حدود ۱۵ دسته‌بندی مضامین اولیه (یا خرده مضامین) شکل گرفت.
۵. مفهومی‌سازی از طریق تفسیر کلمات کلیدی، کدها، و مضامین: این مرحله شامل درک و تعریف مفهومی بود که از داده‌ها استخراج شده بودند. الگوهای اجتماعی شناسایی و تعاریف آن‌ها به‌گونه‌ای اصلاح شد که با اهداف پژوهش همسو باشند. معنای مضامین با توجه به پیشینه تحقیق تفسیر شد و ارتباط میان مفاهیم جدید، کدها و کلمات کلیدی مورد بررسی قرار گرفت. این فرایند به تعریف هفت مفهوم یا مضمون نهایی منجر شد.
۶. توسعه مدل مفهومی: در مرحله پایانی، یافته‌ها و بینش‌های حاصل از داده‌ها در یک مدل مفهومی ادغام شدند. این مدل که از یک سو، بر اساس مضامین استخراج شده از داده‌ها (استقرایی) و از سوی دیگر، بر مبنای چارچوب‌های نظری موجود (قیاسی) شکل گرفت، به سؤال‌های پژوهش پاسخ می‌دهد.
- جهت افزایش اعتمادپذیری یافته‌ها، در طول فرایند تحلیل، ارتباط بین سؤال‌های پژوهش و مفروضات و ارائه تفسیرهای جایگزین با رویکردی رفت و برگشتی و بازاندیشی در دستور کار بود.

## نتایج و بحث

ابتدا مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان در این بخش آورده شده است. سپس مفهوم «نارضایتی از روستانشینی» و مضامین اصلی درزمینه مهاجرت از روستا تفسیر شده است.

جدول (۲) مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان در مرحله گردآوری داده‌ها را نشان می‌دهد. از تعداد ۱۳ نفر مصاحبه‌شونده در فرایند پژوهش، دو نفر زن و ۱۱ نفر مرد بودند. همچنین تحصیلات پاسخگویان به شرح شش نفر دیپلم، شش نفر کارشناسی و یک نفر کارشناسی ارشد بود. از نظر تأهل نیز یک نفر مجرد و بقیه متأهل بودند. از نظر سنی نیز جوان‌ترین مصاحبه‌شونده ۳۲ ساله و مسن‌ترین ۵۲ ساله بود. محل سکونت فعلی مصاحبه‌شوندگان شهرهای اصفهان، مشهد و قهجاورستان بود که از روستاهای حسن‌آباد، امین‌آباد، دستجا، آمرزیدآباد، جیلان‌آباد و هتم‌آباد مهاجرت کرده بودند.

جدول ۲. مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

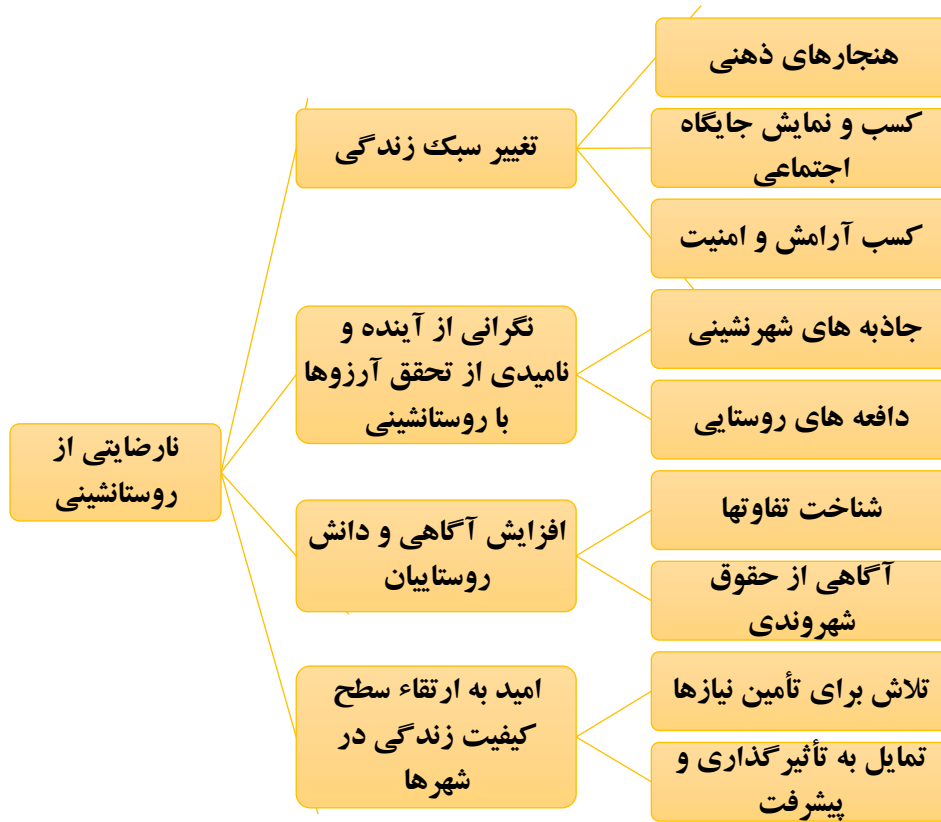
ردیف	جنسیت	تحصیلات	شغل	وضعیت تأهل	سن (سال)	محل سکونت قبلی	محل سکونت فعلی
۱	مرد	کارشناسی	کارگر	متاهل	۴۱	هتم آباد	اصفهان
۲	مرد	کارشناسی ارشد	کارمند	متاهل	۳۷	هتم آباد	اصفهان
۳	زن	دیپلم	خانه‌دار	متاهل	۳۵	حسن آباد	اصفهان
۴	مرد	دیپلم	کارگر	متاهل	۴۵	امین آباد	مشهد
۵	مرد	دیپلم	کارگر	متاهل	۴۰	امین آباد	اصفهان
۶	مرد	دیپلم	کارمند	مجرد	۳۲	امین آباد	اصفهان
۷	مرد	کارشناسی	کشاورز	متاهل	۵۰	هتم آباد	قهباجورستان
۸	زن	کارشناسی	خانه‌دار	متاهل	۴۸	هتم آباد	قهباجورستان
۹	مرد	کارشناسی	کارمند	متاهل	۵۲	دستجا	اصفهان
۱۰	مرد	کارشناسی	کارگر	متاهل	۴۰	حسن آباد	اصفهان
۱۱	مرد	کارشناسی	کارمند	متاهل	۳۹	جیلان آباد	اصفهان
۱۲	مرد	دیپلم	قلم زن	متاهل	۳۸	آمرزیدآباد	اصفهان
۱۳	مرد	دیپلم	نگهبان	متاهل	۴۶	دستجا	اصفهان

### مضمون فراگیر

شکل ۲ مدل مفهومی مهاجرت از روستا به شهر و ارتباط بین مضامین را نشان می‌دهد. مضمون فراگیر استخراج شده از داده‌ها، «نارضایتی از روستانشینی» و مضامین اصلی شامل تغییر سبک زندگی، نگرانی از آینده و ناامیدی از تحقق آرزوها با روستانشینی، افزایش آگاهی و دانش روستاییان و امید به ارتقاء سطح کیفیت زندگی در شهرها است که در ادامه تحلیل هر یک با توجه به خرده‌مضامین کشف شده از داده‌ها به تفصیل آمده است.

نتایج نشان داد که روستاییان بخش مرکزی اصفهان در مجموع رغبتی به زندگی در روستاها نداشته و از زندگی فعلی خود در روستا نوعی نارضایتی دارند. حتی افرادی که توان مهاجرت از روستا را ندارند همواره از وضع موجود شکایت می‌نمایند. آن‌ها انگیزه‌های بالقوه زیادی برای مهاجرت داشته و در انتظار به وجود آمدن فرصتی برای ترک روستا می‌باشند و سکونت خود را در روستا نوعی اجبار می‌پندارند. البته این نارضایتی ناشی از تغییر سبک زندگی روستاییان، نگرانی از آینده و ناامیدی از تحقق آرزوها با روستانشینی، افزایش آگاهی و دانش روستاییان و امید به ارتقاء سطح کیفیت زندگی

در شهرها می‌باشد که به‌عنوان خرده‌مضامین استخراج شده هستند و در ادامه به‌صورت مجزا تفسیر شده‌اند.



شکل ۲. مدل مفهومی مهاجرت از روستا

### هنجارهای ذهنی

یکی از عواملی که باعث تغییر در سبک زندگی روستاییان شده است، تغییر هنجارهای ذهنی آنان نسبت به گذشته است. تأثیرپذیری از دیگران و افزایش شکاف بین نسلی و بالا رفتن توقعات فرزندان در روستاها باعث ایجاد ایده‌آل‌های جدید ذهنی به‌خصوص در نسل جوان روستایی شده است.

مرد ۴۰ ساله، کارگر، دیپلم و متأهل اذعان می‌کرد که "امروزه همه به همدیگه نگاه می‌کنن. بیشتر مثل چشم و همچشمیه. یکی که رفت بقیه هم تشویق می‌شن برن. هر جا آب نباشه، آبادانی هم نیست و آدم عاقل هم جایی که آبادانی نباشه، زندگی نمی‌کنه. یعنی نمی‌شه زندگی کرد. همه اقوام ما از اون روستا رفتن. ما هم سعی کردیم بیشتر در کنار اونا باشیم، یعنی اصفهان تو یه محله زندگی می‌کنیم".

مرد ۳۷ ساله، متأهل، با تحصیلات کارشناسی ارشد، کارمند در این خصوص بیان نمود که: "دختر تو روستا ایده‌آل‌هاشون عوض شده. فکر می‌کنن اگه یه بچه شهری بیاد خواستگاری شون و برن تو شهر زندگی کنن خوشبخت می‌شن. خیلی وقتا چشم‌شون را روی واقعیت‌ها می‌بندند تا بتونن خودشون را راضی کنند که خوشبختی بیرون از روستاست". همان مصاحبه‌شونده در جای دیگری گفت: "اگه دغدغه آینده بچه‌ام نبود، قاطع می‌تونستم تصمیم بگیرم و همین الان برگردم، ولی همش می‌گم ممکنه آینده پشیمون بشم و نسل بعدی ازم شاکی بشه که خودخواهی تو باعث شد من نابود بشم. آخه ما با یه قوت بخور و نمیر قناعت می‌کنیم، ولی نسل آینده مثل ما فکر نمی‌کنه و توقع معیشت بهتری داره".

### کسب و نمایش جایگاه اجتماعی

انسان‌ها ذاتاً به دنبال بالا بردن شأن و جایگاه خود در اجتماع بوده و همیشه سعی در اثبات این موضوع به اطرافیان خود دارند. رقابت و چشم و همچشمی در بسیاری از امور و همچنین فخرفروشی برای دیگران و بازخوردهای مثبت این‌گونه رفتارها از طرف مقابل حس اعتمادبه‌نفس بیشتری به کنشگران داده و آن‌ها را به تکرار رفتار قبلی خود با شدت بیشتری ترغیب می‌نماید.

زن دیپلمه، خانه‌دار، متأهل، ۳۵ ساله: "یعنی من با همین شخصیتی که الان دارم وقتی تو شهر زندگی می‌کنم، بیشتر بهم احترام می‌ذارن تا وقتی تو روستا بودم. کاری به درست یا غلطش ندارم، ولی واقعیتی که وجود داره. این تفکر پس‌زمینه ذهن همه هست که یه شهری، فرهنگ غنی‌تر و رو به پیشرفتی داره و باید بهش احترام گذاشت، ولی روستایی‌ها درجا می‌زنن و فسیل می‌شن".

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارمند، متأهل، ۵۲ ساله: "این شرایط حدود ۱۰ تا ۱۵ ساله که حاکم شده و یه جورایی آدمای بی‌عرضه تو روستا می‌مونند. منم برای اینکه از قافله عقب نمونم، تو اصفهان زندگی می‌کنم ولی شغلم آزاده و تو خود دستجا کار می‌کنم. تو شهر زندگی کردن در باور عمومی روستاییان یه جور کلاس و پرستیژ داره".

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارمند، متأهل، ۴۱ ساله: "چون ما یه کم درس خونده بودیم و یه احترامی به خاطر رفتارهای مذهبی و مردم‌داری مون تو روستا داشتیم، سعی می‌کردیم این جایگاه را حفظ کنیم و روز به روز بالاتر ببریم. حالا هر کاری لازم بود باید می‌کردیم انگار این تأیید شدن‌ها بار ما را سنگین‌تر می‌کرد".

### کسب آرامش و امنیت

احساس داشتن آرامش و امنیت در محل زندگی می‌تواند از راه‌های مختلفی حاصل شود. امنیت جنبه‌های متعددی دارد و افراد برای داشتن امنیت کافی باید از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی نیز در شرایط امنی قرار داشته باشند تا به آرامش روانی و ذهنی برسند.

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارمند، متأهل، ۴۱ ساله: "به نظرم انسان‌ها باید در لایه‌های مختلفی امنیت داشته باشند که لایه بیرونی اون امنیت نظامی هست، بعد لایه امنیت اقتصادی، بعد امنیت اجتماعی، سیاسی، و در آخر امنیت روانی که به درونی‌ترین بعد انسان مربوط میشه".

مرد دیپلمه، نگهبان، متأهل، ۴۶ ساله: "تو روستا که بودم آرامش نداشتیم. از دست همسایه‌هایی که وقت و بی‌وقت می‌ومدن خونه‌مون و تو هر کاری دخالت می‌کردن. کی میام؟ کی میرم؟ کجا بودم؟ چیکار می‌کردم؟ همیشه پاسخگوی این سؤالات به مردم بودم. ولی الان تو جامعه‌ای هستم که ساعت دو نصفه شب هم که پیام خونه، برای مردم عادیه و این خیلی برام مهمه".

مرد با تحصیلات کارشناسی ارشد، کارمند، متأهل، ۳۷ ساله: "همه اینا مال زمانی بود که خودم بودم و خودم. یه محیط کوچیک از نیازهام تعریف کرده بودم. ولی وقتی خانواده پیدا کردم، اون یه اتاق نامن شد، حقوق نامنی اقتصادی برام داشت. پس امنیت حسی درون انسانه. یکی با دو میلیون حقوق، احساس امنیت شغلی می‌کنه. یکی با ده میلیون، احساس نامنی. پس امنیت بستگی به شرایط محیطی داره که در اون قرار داریم".

### نگرانی از آینده و ناامیدی از تحقق آرزوها با روستائیشینی

داده‌های حاصل از مصاحبه با مهاجران روستایی مؤید این مطلب است که روستاییان بخش مرکزی اصفهان در مورد آینده خود نوعی ابهام و نگرانی داشته و اطمینانی به پایدار بودن شرایط فعلی ندارند. آن‌ها با تحلیل جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی و پیش‌بینی شرایط احتمالی آینده به‌صورت ضمنی استرس و نگرانی خاصی دارند و پس‌زمینه فکری آرامی ندارند.

مرد دیپلم، بازنشسته، متأهل، ۶۲ ساله: "همیشه باید نگران اوضاع زندگی باشم. از ۱۵ سالگی که معنای زندگی را فهمیدم، همیشه استرس آینده را داشتم. الان پنجاه ساله که به دنبال شرایط مطمئنی هستیم، ولی هر روز به نگرانی جدید پیش میاد."

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارمند، متأهل، ۴۰ ساله: "هر چی تا حالا دیدیم که بدبخت‌تر شدن روستایی‌ها بوده. همش بهمون امید می‌دن که اوضاع خوب می‌شه ولی روزنه امیدی نمی‌بینیم و نمی‌شه ریسک کرد. شاید اوضاع بدتر شد، اون وقت دیگه فرصت جبران نداریم. هر روز شهرها بهتر می‌شه و روستاها بدتر. نباید خودمون را گول بزنیم. باید حقیقت را قبول کنیم. حقیقت اینه که ریسک روستایی بودن بالاتره."

### جاذبه‌های شهری

به مجموعه عواملی که باعث دلسردی مهاجران از مبدأ و جذب شدن آنان به مقصد مهاجرت می‌شود، در اصطلاح دافع‌های مبدأ و یا جاذبه‌های مقصد می‌گویند. در خصوص مهاجرت از روستا به شهر، دسترسی به بازار کار بیشتر و تنوع شغلی به‌ویژه مشاغل اینترنتی و وجود امکانات رفاهی و تحصیلی بیشتر از جمله جاذبه‌های شهری برای روستاییان بخش مرکزی اصفهان است. در این میان کلان‌شهر اصفهان جاذبه‌های خاصی داشته که این شهر را از سایر شهرهای مقصد مهاجران روستایی متمایز می‌کند.

زن خانه‌دار، با تحصیلات کارشناسی، متأهل، ۴۸ ساله: "خوب معلومه شهرها جاذبه بیشتری دارن نسبت به روستاها ولی از نظر من وقتی از شهر صحبت می‌کنم، منظورم اصفهانه که سراسر جاذبه و گرنه شهرهای کوچیک که تقریباً همون روستاهاست، اسمشو عوض کردن. اصفهان را با این همه پیشینه تاریخی و فرهنگی نمی‌شه با این شهرهای جدید مقایسه کرد. شما به بهارستان نگاه کن، چی داره که بهش می‌گن شهر؟ قهجاورستان همین جور. بقیه هم همین. حالا میان چند تا کارگاه تو روستا می‌زنن فکر می‌کنن جذاب میشه."

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارمند، متأهل، ۴۰ ساله: "جاذبه شهر برای من تنوع شغلی بود، چون تقریباً همه مشاغل تو شهر به حسابدار نیاز دارن و خیلی زود برام کار پیدا شد. البته امکانات شهری مثل پارک و فضای سبز، اتوبوس، مترو، بیمارستان، دانشگاه هم برام جاذبه. حتی رفتار آدم‌ها، اینکه هرکسی سرش تو کار خودش برام جذاب بود. دیگه چی بگم. همه دنیا آرزوشونه اصفهان را به بار ببینن می‌خواه بر ما جذاب نباشه."

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارمند، مجرد، ۳۰ ساله: "به نظرم شهر تابلویی رنگارنگ از فرصت‌های پیش رو هست، اگه زرنگ باشی، جا برای پیشرفت خیلی داره".

### دافعه‌های روستایی

در مقابل جاذبه‌های شهری مکملی به نام دافعه‌های روستایی بر عزم و اراده روستاییان بخش مرکزی اصفهان تأثیرگذار بوده است و انگیزه آن‌ها را برای مهاجرت و ترک روستا تقویت کرده است. محدودیت‌های زندگی روستایی، معاش ناپایدار و درآمد ناکافی در روستا، سختی و سودآوری پایین شغل کشاورزی و کمبود امکانات در روستاها در مقابل شهرها از جمله عوامل دافعه روستایی است. مرد دیپلم، کارگر، متأهل، ۴۰ ساله: "از بیکاری و خشکسالی مهاجرت کردم. خشکسالی باعث شد که زمین‌های کشاورزی مون بی‌آب بشه، چون وابسته به آب زاینده‌رود بود و با بسته شدن رودخونه، کشاورزی مون تقریباً نابود شد. اون چندرغاز درآمدی هم که داشتیم تقریباً از بین رفت. باید چی کار می‌کردیم؟".

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارگر، متأهل، ۴۱ ساله: "آخه چرا هرچی امکاناته می‌دن به شهرها و توقع دارن مردم تو روستا بمونن، تو روستا نه شغل مناسبی هست نه درآمد خوبی، نه امکانات تحصیلی، نه حمل و نقل عمومی مترو و اتوبوس، نه امکانات تفریحی برای پرکردن اوقات فراغت. به چی باید دلخوش باشیم آخه؟".

مرد دیپلم، کارمند، متأهل، ۴۲ ساله که تجربه مهاجرت معکوس به روستا را داشته است و زندگی کلان‌شهر اصفهان را ترک و به روستا مهاجرت کرده است می‌گوید: "من بعد از مهاجرت با یه فرهنگ روستایی روبرو شدم که اصلاً توقعشو نداشتم یعنی فکرشو نمی‌کردم. منظورم اینه که تو روستا مردم خیلی به زندگی شخصی همدیگه سرک می‌کشند. دخالت‌های بیجا زیادتره و همسایه‌ها هم بیشتر باعث اذیت آدم می‌شن تا احساس راحتیش. این اخلاق فرهنگی آدمو فراری می‌ده از روستا".

### افزایش آگاهی و دانش روستاییان

روستاییان در چند دهه گذشته با توسعه فناوری و امکانات ارتباطی، شناخت بیشتری از تفاوت‌های شهر و روستا پیدا کرده و از حقوق شهروندی خود آگاه‌تر شده‌اند. آنان ارزش‌های مادی و معنوی را بیشتر از نسل‌های قبلی، تحلیل و مقایسه می‌کنند و به خاطر همین افزایش شناخت و

آگاهی، توقع رفاه بیشتری نیز دارند و در مورد آینده خود، نگران و از وضعیت موجود ابراز نارضایتی می‌کنند.

مرد با تحصیلات کارشناسی، کارمند، متأهل، ۳۹ ساله: "تو شهر این‌جوری نیست و کسی کاری به زندگی شما نداره و محدوده آزادی هرکسی مشخصه. تو انتخاب پوشش، اعتقاد، مذهب، همسر آینده و خیلی چیزای دیگه فرهنگ شهری‌ها انعطاف بیشتری داره".

مرد دیپلم، کارمند، متأهل، ۳۲ ساله: "نگاه ویژه دولت به شهرها باعث شده که تمام تکنولوژی به سمت شهرها سوق داده بشه تمام ادارات تو شهرها الکترونیکی شدند. ولی تو روستا هنوز یه دهیاری هست که اونم با شورا هر جور دلشون خواست رفتار می‌کنند و اهالی هیچ نقشی در تصمیم‌گیری‌ها تو روستا ندارند".

#### - امید به ارتقاء سطح کیفیت زندگی در شهرها

تحلیل عمیق داده‌ها حاکی این مطلب است که افزایش آگاهی از نیازهای مادی و معنوی و شناخت هرچه بیشتر تفاوت‌های زندگی شهر و روستا، روستاییان را تشویق به پیگیری بازخوردهای مهاجرت از طرف کنشگران قبلی می‌نماید. آن‌ها با دیدن پیشرفت و تحول در زندگی مهاجران قبلی و برطرف شدن نیازهای معیشتی آنان مانند مسکن، شغل، تحصیلات و ...، ارتقاء سطح زندگی خود را در شهرها یافته و امیدواری بیشتری به زندگی پسامهاجرتی خویش پیدا می‌کنند.

مرد دیپلم، قلم‌زن، متأهل، ۳۸ ساله: "همسن و سالای من که قبلاً از روستا اومدن اصفهان، رفتن قلم‌زنی یاد گرفتن و اتفاقاً موفق هم بودن. چون اصفهان یکی از بهترین شهرهای جهان تو صنایع دستی بود، منم از بچگی دلم می‌خواست بیام اصفهان زندگی کنم. برام یه رویا شده بود ولی در ۲۷ سالگی اومدم اینجا و الان ۵ ساله دارم قلم‌زنی میکنم. پیشرفت خوبی هم تو کارم داشتم".

مرد با تحصیلات کارشناسی ارشد، کارمند، متأهل، ۳۷ ساله: "فکر می‌کنم زندگی تو شهر به بچه‌ها اعتمادبه‌نفس می‌ده. اولش آدم می‌ترسه از روستا جدا بشه، ولی وقتی می‌بینم خیلی از افرادی که حتی هنر منم نداشتن، اومدن تو شهر و تونستن خونه‌دار بشن، ماشین بخرن و سر و وضعی به هم بززن منم جرأت پیدا می‌کنم که برم شهر و امیدم اون‌ور بیشتر میشه".

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته اصلی این پژوهش، یعنی نارضایتی از زندگی روستایی، بیانگر تعامل پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی-اقتصادی و روان‌شناختی است که روستاییان را به سمت مراکز شهری سوق می‌دهد. نتایج

مطالعه مهدی پور و همکاران (Mahdipour et al., 2019) نیز بر چندوجهی بودن علل مهاجرت روستاییان شهرستان آبدانان تأکید داشته است.

یکی از عوامل اصلی مهاجرت بر پایه چارچوب‌های اقتصاد نئوکلاسیک و مدل‌های جاذبه-دافعه، شکاف‌های اقتصادی است. بی‌ثباتی اقتصادی، درآمد ناکافی و مشاغل کشاورزی سخت با بازدهی پایین به‌عنوان عوامل دافعه در مناطق روستایی عمل می‌کنند و در مقابل، مناطق شهری به‌ویژه کلان‌شهر اصفهان، با ارائه فرصت‌های متنوع شغلی، مانند تاکسی اینترنتی و دسترسی گسترده‌تر به بازار کار، عوامل جاذبه مهاجرت هستند. یافته‌های برخی مطالعات مانند علی‌پوریان و فضلی (Alipourian & Fazli., 2023) در نواحی روستایی شهرستان‌های کوه‌دشت، حسین‌زاده و همکاران (Hosseinzadeh et al., 2019) در مشکین‌شهر و شایان و کهنه‌پوشی (Shayan & Kohnepushi, 2013) در مریوان حاکی از آن است که عوامل اصلی مهاجرت جوانان روستایی، فرار از بیکاری و دستیابی به شغل مناسب بوده است. مهاجران در این مطالعه نیز بر ناکارآمدی اقتصاد روستا، نبود افق شغلی پایدار، و میل به دسترسی به فرصت‌های درآمدی بهتر در شهر تأکید داشته‌اند. این رفتار مهاجرتی در چارچوب نظری درآمد مورد انتظار در مدل هریس-تودارو (Harris & Todaro, 1970) نیز قابل تفسیر است؛ چراکه حتی در شرایط بیکاری شهری، آگاهی از وجود فرصت‌های بالقوه در شهر موجب می‌شود افراد، مهاجرت را گزینه‌ای مطلوب‌تر از ماندن در روستا بدانند.

چارچوب اشتیاق- توانمندی (de Haas, 2021) در درک شرایط مهاجرت نیز می‌تواند روشنگر باشد. این مطالعه بر انگیزه‌های نهفته برای مهاجرت و تمایل روستاییان به منتظر ماندن برای یک فرصت جهت ترک روستا تأکید دارد که نشان‌دهنده آرمان‌های بالای مهاجرتی است. این اشتیاق به‌واسطه افزایش آگاهی و دانش نسبت به مزایای زندگی شهری، که به‌طوری از طریق فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی تسهیل شده‌اند، تقویت می‌شود. این افزایش آگاهی را می‌توان به‌عنوان عاملی در تقویت درک روستاییان از توانمندی‌هایشان و فرصت‌های بالقوه برای مهاجرت و بهبود زندگی خود در جایی دیگر تفسیر کرد (Czaika & Vothknecht, 2014). این پژوهش همچنین به‌طور ضمنی به نظریه شبکه‌های مهاجرتی اشاره دارد (Massey et al., 1993)؛ زیرا از فشارهای اجتماعی به‌ویژه از سوی همسران و تمایل به حفظ ارتباط با اقوام صحبت می‌کند که نشان می‌دهد پیوندهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی دارند و آن را به آرزوی نهفته‌ای در میان جامعه روستایی تبدیل کرده‌اند. تحلیل علل مهاجرت داخلی در

سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ کشور نشان می‌دهد که «پیروی از خانواده» همواره یکی از مهمترین نیروهای پیشران مهاجرت بوده است (Ghasemi-Ardahae et al., 2017).

از یافته‌های مهم این پژوهش، شناسایی عامل «پرستیژ شهری» به‌عنوان یک نیروی جاذبه در مقابل تصور «عقب‌ماندگی روستایی» در مهاجرت از روستا به شهر می‌باشد که با چارچوب نظریه جستجوی معنا مطابقت دارند. تمایل روستاییان به جلب توجه، کسب احترام، تأیید اجتماعی و نمایش توانایی مالی از طریق اتخاذ سبک زندگی شهری، نشان‌دهنده اشتیاق آن‌ها به ارتقای جایگاه اجتماعی و کسب اعتبار است؛ مفاهیمی که در هسته نیاز به معنا قرار دارند (Prilleltensky & Prilleltensky, 2021). این موضوع با این گزاره نظری مطابقت دارد که افراد ممکن است مهاجرت را به‌عنوان «بزاری فرهنگی برای تلاش در جهت کسب معنا» انتخاب کنند، به‌ویژه در جوامعی که زندگی شهری ارزشمند تلقی می‌شود (Webber et al., 2025). فرهنگ مهاجرت مشاهده شده در سایر مناطق مانند مکزیک، هند و فیلیپین (Ali, 2007; Kandel & Massey, 2002) به نوعی در این پژوهش نیز دیده می‌شود، جایی که مهاجرت به‌عنوان یک آرمان هنجاری در جهت ارتقای اجتماعی و موفقیت در حال شکل‌گیری است. همچنین یافته‌های این مطالعه با نتایج تحقیق شریفی و زارع شاه‌آبادی (Sharifi & Zare-Shahabadi; 2018) نیز همسو است که بر مهاجرت در نواحی روستایی استان یزد تمرکز داشته‌اند. آن‌ها در مطالعه خود نشان دادند که برخلاف بسیاری از مطالعات که بر عوامل اقتصادی تأکید دارند، عوامل اجتماعی و روانی، به‌ویژه ناامیدی از زندگی روستایی و پدیده چشم و هم‌چشمی، نقش تعیین‌کننده‌تری در گرایش روستاییان به مهاجرت داشته‌اند.

بررسی نیروهای محرک در مهاجرت اجباری و گزینشی نشان داد که عواملی خارج از کنترل مانند خشکسالی، کمبود آب، بیکاری و مشکلات اقتصادی که مهاجران را مجبور به ترک وطن می‌کند، می‌توانند به‌عنوان تهدیدهای اساسی برای برآورده شدن نیازهای اولیه تفسیر شوند که در نتیجه، مهاجرت را به یک استراتژی بقا تبدیل می‌کند. با این حال، انگیزه‌های کمتر اجباری، مانند جستجوی موقعیت اجتماعی و دستیابی به آرامش و امنیت، نقش نیازهای معنایی را نمایان‌تر می‌سازد. این انگیزه‌ها نشان می‌دهند درحالی‌که ناامنی در تأمین نیازهای اولیه می‌تواند آغازگر مهاجرت باشد، اشتیاق به یک زندگی معنادارتر و محترم‌تر در محیط شهری، به‌عنوان یک نیروی جذب‌کننده قوی عمل می‌کند. شکاف‌های بین نسلی و فشارهای اجتماعی نیز نشان دهنده تأثیر شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی در شکل‌دهی به آرمان‌های مهاجرت مطابق نظریه جستجوی معنا است (Kruglanski et al., 2022).

افزایش آگاهی و دانش در میان روستاییان، که از طریق فناوری‌های ارتباطی تسهیل شده است، نقش مهمی در تقویت نارضایتی و تمایل به مهاجرت ایفا می‌کند. هرچه روستاییان بیشتر از تفاوت‌های میان شهر و روستا و مزایای ادراک شده زندگی شهری - مانند فرصت‌های شغلی متنوع، امکانات بهتر و پویایی اجتماعی - آگاه شوند، نارضایتی آن‌ها از وضعیت موجود بیشتر می‌شود. این افزایش آگاهی را می‌توان به‌عنوان تشدید شکاف ادراکی در تأمین نیازها، به‌ویژه نیازهای معنایی، میان محیط‌های روستایی و شهری تفسیر کرد. این موضوع با چارچوب «عوامل دافعه-جاذبه» همسو است، اما در اینجا از سطح صرفاً اقتصادی فراتر رفته و محرک‌های روان‌شناختی مانند رضایت از نیازها را نیز دربرمی‌گیرد (Czaika & Reinprecht, 2022; Black et al., 2011).

در مجموع، این مطالعه نشان داد که مهاجرت روستایی صرفاً واکنشی به نابرابری‌های اقتصادی نیست، بلکه با جستجوی معنا پیوند خورده است. در کنار اهمیت نابرابری‌های منطقه‌ای و پویایی‌های جاذبه-دافعه، نارضایتی روستاییان از این تصور ناشی می‌شود که نمی‌توانند آرزوهای خود را در محیط روستایی محقق کنند و به جایگاه اجتماعی مطلوب دست یابند. در مقابل، مناطق شهری به‌عنوان مکان‌هایی ادراک می‌شوند که امکان تحرک اجتماعی، کسب احترام و زندگی رضایت‌بخش‌تر را فراهم می‌کنند.

این یافته‌ها بر اهمیت در نظر گرفتن عوامل روان‌شناختی و اجتماعی، در کنار محرک‌های اقتصادی و ساختاری، برای درک و مدیریت پدیده پیچیده مهاجرت روستا-شهری تأکید دارند. بنابراین پژوهش‌های آینده باید به بررسی تعامل میان عوامل ساختاری، اقتصادی، روان‌شناختی و فرهنگی در فرایند مهاجرت بپردازند. تحلیل‌های ترکیبی که هم‌زمان شاخص‌های عینی معیشت و کیفیت زندگی (مانند درآمد، اشتغال، تأمین خدمات) و شاخص‌های ادراکی و معنایی (مانند احساس ارزشمندی، امید به آینده و منزلت اجتماعی) را در نظر گیرند، می‌توانند تصویر جامع‌تری از مهاجرت ارائه دهند. از آنجاکه فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری تصورات و آرمان‌های مهاجرتی ایفا می‌کنند، تحلیل انتقادی محتوای این رسانه‌ها و تأثیر آن بر نگرش جوانان روستایی اهمیت زیادی دارد. همچنین بررسی سازگاری روان‌شناختی مهاجران روستایی در محیط‌های شهری و پیامدهای بلندمدت اجتماعی و اقتصادی برای هر دو منطقه روستایی و شهری در اصفهان می‌تواند در دستور کار مطالعات آتی قرار گیرد. در نهایت، لازم است اثربخشی سیاست‌های توسعه روستایی از منظر تحقق نیازهای روانی و اجتماعی ساکنان ارزیابی شده و از صرف تمرکز بر زیرساخت، به‌سوی توجه به رضایت ذهنی، شأن اجتماعی و مشارکت معنادار در جامعه روستایی سوق داده شود.

از منظر سیاست‌گذاری، با توجه به چندوجهی بودن علل مهاجرت روستایی، لازم است برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای از سطح زیرساختی و کالبدی فراتر رفته و به لایه‌های معنایی و ادراکی تجربه روستاییان نیز توجه کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود برنامه‌هایی برای اصلاح تصویر اجتماعی و ارتقاء جایگاه نمادین روستاها از جمله روایت‌سازی‌های فرهنگی، الگوسازی از روستاییان موفق، و ترویج سبک زندگی پایدار روستایی از طریق رسانه‌ها اجرا شود. توانمندسازی روانی-اجتماعی جوانان، ارائه مشاوره شغلی و ایجاد فرصت‌های مشارکت محلی نیز از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند «اشتقاق به ماندن» را در برابر «آرمان مهاجرت» تقویت کنند.

### منابع

1. Ali, S. (2007). Go west young man: The culture of migration among muslims in Hyderabad, India. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 33(1), 37-58. <https://doi.org/10.1080/13691830601043489>.
2. Alipourian, J., & Fazli, A. (2023). Effective pull-push factors on durability and rural youth migration (Case study: Rural settlements of the Central District of the Kouhdasht county, Lorestan province). *Journal of Urban and Rural Management*, 21(69), 107-120. [In Persian]
3. Anczyk, A., & Grzymała-Moszczyńska, H. (2021). The psychology of migration: Facing cultural and religious diversity. Brill. <https://doi.org/https://doi.org/10.1163/9789004465237>.
4. Badavi, A., Savari, M. & Sobhani, S. (2024). An analysis of the livability and the migration behavior of rural households in drought conditions: A case study of Bavi city. *Journal of Population Association of Iran*, 19(37), 293-324. [In Persian]
5. Beauchemin, C., & Bocquier, P. (2004). Migration and urbanisation in Francophone West Africa: An overview of the recent empirical evidence. *Urban Studies*, 41(11), 2245-2272. <https://doi.org/10.1080/0042098042000268447>.
6. Black, R., Adger, W.N., Arnell, N.W., Dercon, S., Geddes, A. & Thomas, D. (2011). The effect of environmental change on human migration. *Global Environmental Change*, 21, S3-S11. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2011.10.001>.
7. Blaikie, N., & Priest, J. (2019). Designing social research: The logic of anticipation. Cambridge: Polity Press.
8. Constantinou, C.S., Georgiou, M. & Perdikogianni, M. (2017). A comparative method for themes saturation (CoMeTS) in qualitative interviews. *Qualitative Research*, 17(5), 571-588. <https://doi.org/10.1177/1468794116686650>.

9. Corbin, J., & Strauss, A. (2014). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Sage Publications, Inc
10. Czaika, M., & Reinprecht, C. (2022). Migration drivers: Why do people migrate? In P. Scholten (Ed.), Introduction to migration studies: An interactive guide to the literatures on migration and diversity. Springer International Publishing. [https://doi.org/10.1007/978-3-030-92377-8\\_3](https://doi.org/10.1007/978-3-030-92377-8_3).
11. Czaika, M., & Vothknecht, M. (2014). Migration and aspirations – are migrants trapped on a hedonic treadmill? *IZA Journal of Migration*, 3(1), 1. <https://doi.org/10.1186/2193-9039-3-1>.
12. de Haas, H. (2021). A theory of migration: The aspirations-capabilities framework. *Comparative Migration Studies*, 9(1), 8. <https://doi.org/10.1186/s40878-020-00210-4>.
13. Dekker, R., & Engbersen, G. (2014). How social media transform migrant networks and facilitate migration. *Global Networks*, 14(4), 401-418. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/glob.12040>.
14. Ghanbari, S. (2017). Survey on the effects of rural management style on the sustainability of rural settlements in Esfahan township. *Spatial Planning*, 7(1), 41–58. <https://doi.org/10.22108/sppl.2017.104208.1077>. [In Persian]
15. Ghasemi-Ardahaee, A., Mahmoudian, H. & Nowbakht, R. (2017). An Analysis of the causes of internal migration of the census of 2006 and 2012. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 6(3), 375-390. <https://doi.org/10.22059/jisr.2017.141758.317>. [In Persian]
16. Guest, G., Bunce, A. & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough?: An experiment with data saturation and variability. *Field Methods*, 18(1), 59-82. <https://doi.org/10.1177/1525822x05279903>.
17. Harris, J.R., & Todaro, M.P. (1970). Migration, unemployment and development: A two-sector analysis. *The American Economic Review*, 60(1), 126-142.
18. Hennink, M., Hutter, I. & Bailey, A. (2020). Qualitative research methods. (2nd ed.). London: Sage.
19. Hoffmann, E.M., Konerding, V., Nautiyal, S. & Buerkert, A. (2019). Is the push-pull paradigm useful to explain rural-urban migration? A case study in Uttarakhand, India. *PLOS ONE*, 14(4), e0214511. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0214511>.
20. Hosseinzadeh A., Memari, A., Ghorbani, M. & Mofidi-Chelan, M. (2019). Economic and social factors affecting rural migration: Case study of customary rural systems in the Anarchay region of Meshgin Shahr. *Space Economy and Rural Development*, 8(30), 243–259. [In Persian]
21. IOM. (2022). World Migration Report 2022. The International Organization for Migration (IOM). <https://publications.iom.int/>.

22. Kalhori-Nadrabadi, L., Torabi-Kahlan, P. & Shiri, M. (2023). The flow of urban to rural migration during 2017 to 2021 in Iran: Analysis of labor force survey database. *Journal of Population Association of Iran*, 18(36), 359–404. <https://doi.org/10.22034/jpai.2024.2010577.1307>. [In Persian]
23. Kandel, W., & Massey, D.S. (2002). The culture of Mexican migration: A theoretical and empirical analysis. *Social Forces*, 80(3), 981-1004. <https://doi.org/10.1353/sof.2002.0009>.
24. Kruglanski, A. W., Molinario, E., Jasko, K., Webber, D., Leander, N.P. & Pierro, A. (2022). Significance-quest theory. *Perspectives on Psychological Science*, 17(4), 1050-1071. <https://doi.org/10.1177/174569162111034825>.
25. Mahdipour, A., Mahdipour, A. & Ghasemi-Ardahaee, A. (2019). Investigating the intention of migration from the village and the factors affecting it (Case of study: Villages of Kalat section of Abdanan city, Ilam Province). *The Journal of Community Development (Rural-Urban)*, 11(2), 437-458. <https://doi.org/10.22059/jrd.2019.76763>. [In Persian]
26. Mahmoudian, H., & Mahmoudiani, S.A. (2018). Internal migration and urbanization in Iran (2011–2016). United Nations Population Fund (UNFPA) Iran Office. Available at: [https://iran.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/layout\\_-\\_report\\_on\\_internal\\_migration-v.10.pdf](https://iran.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/layout_-_report_on_internal_migration-v.10.pdf). [In Persian]
27. Massey, D.S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A. & Taylor, J.E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal. *Population and Development Review*, 19(3), 431-466. <https://doi.org/10.2307/2938462>.
28. Naeem, M., Ozuem, W., Howell, K. & Ranfagni, S. (2023). A step-by-step process of thematic analysis to develop a conceptual model in qualitative research. *International Journal of Qualitative Methods*, 22, 16094069231205789. <https://doi.org/10.1177/16094069231205789>.
29. Panahi, L., & Pishro, H. (2011). Analyzing of effective factors on rural young immigration of cities (Case study: Central villages Marvdasht). *Journal of Regional Planning*, 1(2), 41. [In Persian]
30. Piri, Z., Shams, M. & Este'laji, A. (2025). Evaluating the role of rural-urban migration in improving quality of life indicators, case study: Islamabad and Ghaniabad villages (Shahr-e Ray). *Economic Geography Research*, Article in Press. <https://doi.org/10.30470/jegr.2025.2050048.1262>. [In Persian]
31. Portes, A., & Walton, J. (Eds.). (1980). Labor, class, and the international system (1st ed.). Academic Press. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-562020-8.00001-2>.
32. Prilleltensky, I., & Prilleltensky, O. (2021). How people matter: Why it affects health, happiness, love, work, and society. Cambridge University Press.

33. Rabani, R., & Rabiei, K. (2010). Slum-dwelling and community estrangement: The case of the arab district of Malekshahr in Isfahan. *Iranian Journal of Social Problems, 1*(3), 43–63. [In Persian]
34. Rapoport, H., & Docquier, F. (2006). Chapter 17 The Economics of migrants' remittances. In S.-C. Kolm & J. M. Ythier (Eds.), *Handbook of the Economics of Giving. Altruism and Reciprocity, 2*, 1135-1198. [https://doi.org/10.1016/S1574-0714\(06\)02017-3](https://doi.org/10.1016/S1574-0714(06)02017-3).
35. Ryan, G.W., & Bernard, H.R. (2003). Techniques to identify themes. *Field Methods, 15*(1), 85-109. <https://doi.org/10.1177/1525822x02239569>.
36. Sharifi, A., & Zare-Shahabadi, A. (2018). Investigation of factors affecting the rural people's tendency to urban migration: A case study of Garizat rural district in Yazd province of Iran. *Village and Development, 21*(2), 55-74. <https://doi.org/10.30490/rvt.2018.77119>. [In Persian]
37. Shayan, H., & Kohnepushi, S.H. (2013). Analysis of the causes of rural-urban migration (Case study: Khav and Myrabad District, Marivan County). *Journal of Research and Rural Planning, 2*(1), 115-141. <https://doi.org/10.22067/jrrp.v2i3.18132> [In Persian]
38. Skeldon, R. (2014). *Migration and development: A global perspective*. Routledge. London:Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315843346>.
39. Stark, O., & Bloom, D.E. (1985). The new economics of labor migration. *The American Economic Review, 75*(2), 173-178. <http://www.jstor.org/stable/1805591>.
40. Statistical Center of Iran. (2023). *Iran Population and Housing Census (1976 -2016)*. Tehran: Statistical Center of Iran. [In Persian]
41. Taghdissi, A., & Ahmadi-Shapourabadi, M. (2012). Migration and aging of the rural population of Iran: The challenge for rural sustainable development. *Geographical Research, 27*(1), 133–164. [In Persian]
42. UN-Habitat (2023). *World cities report 2022: Envisioning the future of cities*. The United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat). [https://unhabitat.org/sites/default/files/2022/06/wcr\\_2022.pdf](https://unhabitat.org/sites/default/files/2022/06/wcr_2022.pdf).
43. Webber, D., Molinario, E., Jasko, K. & Kruglanski, A.W. (2025). Significance and mattering in migration. In *The Routledge International Handbook of Human Significance and Mattering*. Routledge.
44. Zangiabadi, A., Zarrabi, A. & Khob-Ayand, S. (2005). An analysis of socio-economic causes of marginalization in Isfahan city. *Journal of Applied Sociology, 18*(1), 179–192. [In Persian]
45. Zelinsky, W. (1971). The hypothesis of the mobility transition. *Geographical Review, 61*(2), 219-249. <https://doi.org/10.2307/213996>.